

به نام عشق و سلام بر عاشقان ذوالمنن.

یک استاد عشق در جهان است که آن هم خداوند است. رابطه ما با او چطوری است؟

🌸 آیا لحظه به لحظه ناله و شکایت می‌کنیم و از او غیر از خودش را می‌خواهیم که باعث کاهش زندگی زنده‌کننده این لحظه می‌شود؟

از خدا غیر خدا را خواستن  
ظن افزونی‌ست و، کلی کاستن  
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۷۷۳

🌸 آیا همه بلاها را سر خودمان می‌آوریم و زیر بار مسئولیت نمی‌رویم و می‌گوییم تو کردی؟

جرم بر خود نه که تو خود کاشتی  
با جزا و عدل حق کن اُشتی  
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۴۲۷

متهم کن نفس خود را ای فتی  
متهم کم کن جزای عدل را  
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۴۳۰

🌸 آیا این لحظه متوجه رفتار و افکارمان هستیم و خود را نشان‌دار نمی‌کنیم، بلکه اولین قدم را که این لحظه است درست و با فضاگشایی برمی‌داریم؟

چه چگونه بد عدم را؟ چه نشان نهی قدم را؟  
نگر اولین قدم را که تو بس نکو نهادی  
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۸۴۲

🌸 آیا مرکز ما کارگاه خداوند هست یا کارگاه را بسته‌ایم و به برون کارگاه که بی‌ارزش است، چسبیده‌ایم؟

کارگاه صنع حق چون نیستی است  
پس برون کارگه بی‌قیمتی است  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۹۰

🌸 آیا من ذهنی را نگه می‌داریم و فتنه خود را می‌کنیم و می‌گوییم استاد نمی‌بیند؟

گویی: پنهان می‌زنم آتش‌زنه  
نه به قلب از قلب باشد روزنه؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۸۷

آخر از روزن ببیند فکر تو  
دل گواهیی دهد از ذکر تو  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۸۸

🌸 آیا کاری می‌کنیم که خداوند از روی رضا به ما بخندد و بیرون و درون ما را شکوفا کند یا هر کاری می‌کنیم و هرچه می‌گوییم سبب می‌شود که او به ما میخندد، ولی بر آن فکرها و مرکز همانیده ما می‌خندد؟

گیر در رویت نمالد از کرم  
هر چه گویی خندد و گوید: نعم  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۸۹

او نمی‌خندد ز ذوق مالشت  
او همی خندد بر آن اسگالشت  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۹۰

-اسگالش: اندیشیدن، فکر کردن

گر بدی با تو ورا خنده رضا  
صد هزاران گل شکفتی مر تو را  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۹۲

🌸 آیا عقل من ذهنی خود را پیش عقل خدا قربان می‌کنیم و می‌گوییم او برای من کافی است؟ آیا به شفاعت خدا و خرد او در اداره امور زندگی اعتماد می‌کنیم و توکل کامل داریم؟

عقل، قربان کن به پیش مصطفی  
حسبی الله گو که اللهام کفی  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۴۰۸

-«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ»  
-آیا خدا برای نگهداری بنده‌اش کافی نیست؟  
-«قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ»  
-«بگو: خدا برای من بس است»  
-قرآن کریم، سوره زمر (۳۹)، آیات ۳۶ و ۳۸

کافییم، بدهم تو را من جمله خیر  
بی سبب، بی واسطه یاری غیر  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۵۱۷

کافییم بی نان تو را سیری دهم  
بی سپاه و لشکرت میری دهم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۵۱۸

بی بهارت نرگس و نسرين دهم  
بی کتاب و اوستا تلقین دهم  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۵۱۹

کافییم بی داروت درمان کنم  
گور را و چاه را میدان کنم

-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۳۵۲۰

🌸 آیا به من ذهنی خود سوءالظن می‌بریم و می‌گوییم که هر رفتاری یا هر حرفی الآن بزخم ممکن است مرا به دام بیندازد؟

حَزْمِ آن باشد که ظَنُّ بَدِ بَرِي  
تا گریزی و شوی از بد، بری  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۶۷

حَزْمِ، سُوءِ الظنِّ گفته‌ست آن رسول  
هر قدم را دام می‌دان ای فَضول  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۶۸

🌸 آیا دل بر سبب‌های جهان می‌بندیم و خود را از مسبب محروم می‌کنیم؟

مرکب همت سوی اسباب راند  
از مسبب لاجرم محروم ماند  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۷۸۶

آنکه ببند او مسبب را عیان  
کی نهد دل بر سبب‌های جهان؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۷۸۷

🌸 آیا بر نردبان ما و منیت‌های خود قدم می‌گذاریم و از این نردبان بالا می‌روییم که عاقبت از آن افتادنی هستیم یا خود را از کنار این بام منیت پایین می‌کشیم و خشوع و فروتنی را پیشه زندگی می‌کنیم؟

نردبان خلق، این ما و منی است  
عاقبت زین نردبان افتادنی است  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۷۶۳

پَرِ کنار بامی ای مست مُدَامُ  
پست بنشین، یا فرود آ، وَالسَّلَامُ  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۱۴۶

-مُدَامُ: شراب  
-پست بنشین: آسوده بنشین، در اینجا یعنی عقب‌تر بنشین

جز خضوع و بندگی و، اضطرار  
اندرین حضرت ندارد اعتبار  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۱۳۲۳

🌸 آیا مرتب گوش به خبرهای من‌ذهنی می‌دهیم که از خشم و سیستم زحیری من‌ذهنی می‌آید و راجع به وضعیت‌هاست و خود را از ذوق آب آسمان بی‌خبر می‌کنیم؟

هر که او اندر نظر موصول شد  
این خبرها پیش او معزول شد  
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۰۶۷

چشم او مانده‌ست در جوی روان  
بی‌خبر از ذوق آب آسمان  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۷۸۵

🌸 اگر ما عاشق من ذهنی خود و فکرهای توهم آمیزش هستیم و چشممان در جوی روان دنیا باقی مانده، پس نمی‌توانیم با خدا رابطه عاشقانه داشته باشیم و عاشق این ذوالمنن باشیم؛ به عبارتی رابطه ما با او خراب خواهد بود.

عاشق تصویر و وهم خویشتن  
کی بود از عاشقان ذوالمنن؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۷۵۹

-ذوالمنن: دارنده نعمت‌ها و احسان‌ها

با کمال احترام و سپاس فراوان  
مهردخت از چالوس